



نگاهی به روایتگری هنرهای تجسمی از مقاومت مردم ایران و وداع با رهبر شهید

نقش و نگارهای سخنگو

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4661 | WED.JUL.15, 2026 | ISSN:2008-2886

۱۹۹۱ سال و ۳۱۷ روز گذشت |

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



یمن با حملات متقابل به فرودگاه سعودی توانسته نوعی بازدارندگی در برابر ریاض ایجاد کند

پاسخ محاصره دشکن

صفحه ۳

چهارشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۵ | ۳۰ محرم ۱۴۴۸ | ۱۵ جولای ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۶۶۱ | ۴ صفحه | ۲۰ هزار تومان



تیتر های امر وز



گزارش «وطن امروز» درباره معادلات موجود میان ایران و آمریکا در تنگه هرمز

بازگشت ترامپ به شکست

واکنش آمریکایی‌ها به تصمیم ترامپ برای بازگشت به جنگ

راهزن ناکام هرمز

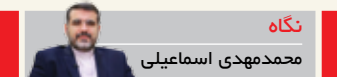
در سومین روز دور جدید درگیری‌ها، نیروهای مسلح ایران تأسیسات مهم آمریکا در منطقه را منهدم کرد

از بحرین تا اردن زیر آتش ایران

صفحات ۲۰۲

انتقام

بدون لکنت زبان



نگاه

محمد مهدی اسماعیلی

حادثه تلخ و تکان‌دهنده ترور رهبر حکیم شهید انقلاب اسلامی، نه تنها ضایعاتی جبران‌ناپذیر برای ملت ایران و امت اسلام است، بلکه به عنوان یکی از سیاه‌ترین فصل‌های نقض حقوق بین‌الملل در تاریخ معاصر، چهره واقعی تروریسم ولولنی را به نمایش گذاشت. این اقدام جنایت‌بار، فراتر از یک عملیات تروریستی ساده، تجاوزی آشکار و بی‌پرده به حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران است. در حقیقت، این حمله، تلاشی برای ضربه زدن به نماد اقتدار و استقلال ملتی است که دهه‌ها در برابر سلطه‌جویی قدرت‌های جهانی ایستادگی کردند.

از منظر حقوقی، این حرکت در تضاد مطلق با تمام تعهدات بین‌المللی، مفاد منشور ملل متحد و اصول بنیادین روابط دیپلماتیک است. وقتی یک دولت یا نهاد بین‌المللی، از ترور رهبران سیاسی و مذهبی یک کشور مستقل به عنوان حمایت برای پیشبرد اهداف خود استفاده یا از آن برای اعمال فشار بر کشورهای دیگر استفاده کند، در واقع نظم جهانی را به سخره گرفته و مفهوم «حقوق بشر» و «حق حاکمیت ملی» را به شوخی تبدیل می‌کند. سکوت جامعه جهانی یا مامشات در برابر چنین جنایتی، به معنای مشروعیت بخشیدن به روش‌های وحشیانه و غیرانسانی در عرصه سیاست است و این پیام را می‌رساند که ترور جایگزین گفت‌وگو و جنایت جایگزین دیپلماسی شده‌است. در تحلیل لایه‌های پنهان این جنایت، باید به این نکته اشاره کرد که بهره‌گیری از عوامل نفوذی، نمایندگان تروریستی و بازی‌های اطلاعاتی پیچیده برای هدف قرار دادن حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید خامنه‌ای رضوان‌الله تعالی علیه، نشان‌دهنده اوج استیصال و ناامیدی دشمنان در برابر نظام مستقل ایران است. دشمنانی که در میدان‌های نبرد سیاسی و نظامی شکست خورنده، به پست‌ترین روش‌های تاریخ، یعنی ترور، رو آورده‌اند.

این اقدام نه یک رقابت ژئوپلیتیک، بلکه تلاشی برای ایجاد هرج‌ومرج و فروپاشیدن اراده ملی ما بود اما باید دانست ترور با توجه به منطق انقلاب اسلامی و بنیان‌های توحیدی آن هرگز نتوانسته مسیر نهضت را تغییر دهد و تاریخ گواه است خون شهیدان، تنها بذر بیداری و اتحاد را در دل ملت می‌کارد؛ گویی باعث مردم و انتخاب رهبری هوشمند و حکیم و قدرت نیروهای نظامی خواب مستکبران را آشفته و آنها را به استیصال کشاند. اینک، تقاص و خونخواهی از عاملان و آمران این جنایت هولناک، نه تنها یک حق قانونی، بلکه یک تکلیف شرعی و ملی است.

ادامه در صفحه ۳

مراسم بزرگداشت پیشوای شهید امت، حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای، دیروز از سوی رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدمجتبی خامنه‌ای در مصلاي تهران برگزار شد. در این مراسم که با حضور پرشور و گسترده هزاران نفر از مردم پایتخت برگزار شد، آیت‌الله سیدمصطفی خامنه‌ای، فرزند ارشد امام مجاهد شهید به سخترانی پرداخت. آیت‌الله سیدمصطفی خامنه‌ای در این سخنرانی ضمن تشکر و قدردانی از مردم ایران به خاطر حضور ده‌ها میلیونی در مراسم تشییع پیکر

مطهر رهبر شهید انقلاب و ابلاغ پیام رهبر انقلاب، پیرامون موضوع صبر و استقامت و انتقام خون رهبر شهید و سایر شهدای بی‌گناه ایرانی که توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیدند، سخنان مهمی ایراد کرد. به گزارش «وطن امروز»، در این مراسم که بعدازظهر دیروز از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار شد، سران قوای سه‌گانه و هزاران نفر از اқشار مختلف مردم، طلاب، دانشجویان، نمایندگان مجلس، وزراء، علما، مسؤولان کشوری و لشکری و خانواده‌های شهدا و ایثارگران، همچنین سفررا و نمایندگان دیپلماتیک

با بیان اینکه برای ابلاغ پیامی در این مراسم حضور یافته است، در سخنانی کوتاه ضمن تبریک و تسلیت شهادت رهبر شهید انقلاب، این ضایعه را نخست به حضرت بقیه‌الله‌الاعظم(عج)، سپس به امت اسلام، ملت ایران و حاضران در مراسم تسلیت گفت. وی با اشاره به مفهوم صبر در آموزه‌های قرآن اظهار کرد: همان‌گونه که در قرآن کریم آمده است «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»، صبر به معنای آن است که این مصیبت بزرگ را به گونه‌ای تحمل کنیم که بتوانیم راه روشن خود را به‌درستی ادامه دهیم و تارسیدن به هدف نهایی پیش برویم. به

تمرکز بر عمق بحران، ممنوع!

دشمنان در نبرد علیه ایران، نقطه عطف این «گذار» در جهان به شمار می‌آید. رسانه‌های گسترده‌ای که وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی هستند، معمولاً در مدیریت این فرآیند شناختی از چند تکنیک شناخته‌شده استفاده می‌کنند.

نخستین تکنیک، برجسته‌سازی تحولات کوتاه‌مدت و نمادین است. آنها به جای تمرکز بر بحران ماهوی و ساختاری عظیم و بی‌سابقه‌ای که درگیر آن شده و البته راه‌گریزی از آن ندارند، به توصیف ابعاد بی‌اهمیت‌تر منازعه کنونی می‌پردازند. این تحولات روینایی، اگرچه ممکن است در ظاهر «خبر» باشند اما عملاً کارکردی فراتر از اطلاع‌رسانی می‌یابند؛ آنها جای مساله اصلی را می‌گیرند.

دومین تکنیک، تبدیل مسائل پیچیده به روایت‌های ساده و احساسی است. بحران‌های زیربنایی معمولاً نیازمند تحلیل، داده، حافظه تاریخی و نگاه ساختاری هستند اما رسانه‌های صهیونیستی و غربی ترجیح می‌دهند فضای عمومی را به سمت موضوعاتی ببرند که واکنش فوری و احساسی تولید می‌کند. دعوای لفظی ظاهری میان سران آمریکا و رژیم دوقطبی‌سازی‌های مصنوعی میان موافقان و مخالفان جنگ در کاخ سفید،

تیرتهای احساسی و سوزهای ملتهب، همه ابزارهایی برای درگیر کردن ذهن مخاطب با سطح ماجرا هستند. وقتی احساسات جای تحلیل را بگیرد، ابعاد واقعی و عمیق از دید مخاطبان خاص و عام پنهان می‌ماند. سومین تاکتیک رسانه‌ای دشمن، اشباع خبری و خستگی شناختی است. رسانه دشمن می‌داند لازم نیست همیشه چیزی را تکذیب کند؛ گاهی کافی است آنقدر خبرهای متعدد، فوری، پراکنده و کم‌اهمیت تولید کند که ذهن مخاطب دیگر توان پیگیری مستمر یک مساله بنیادی را نداشته باشد. این بمباران خبری، نوعی فرسایش ادراکی ایجاد می‌کند. مخاطب از بس با سوزهای متعدد روبه‌رو می‌شود، قدرت تشخیص اولویت‌ها را از دست می‌دهد و در نهایت، بحران‌های اصلی در انبوهی از حاشیه‌ها گم می‌شوند.

از سوی دیگر، رسانه‌های وابسته به جریان سلطه «جابه‌جایی ساحت‌ها» را نیز در دستور کار تبلیغاتی خود قرار می‌دهند؛ یعنی به جای بحث درباره منازعه‌ای راهبردی-گفتمانی، نزاع را به ساحت‌های فرعی (منافقه بر سر موضوعات ظاهری) منتقل می‌کنند. در اینجا به جای پاسخ به چرایی بحران، درباره نحوه و چگونگی بحران بحث و به جای شفاف‌سازی

درباره یک مساله بنیایی، افکار عمومی درگیر جدل بر سر واژه‌ها، تعبیرها و حواشی می‌شود. این تکنیک موجب می‌شود مساله اصلی از سطح تحلیل خارج و به عرصه مجادله‌های بی‌نتیجه رانده شود. وقتی افکار عمومی از مسائل بنیادین منحرف شود، مطالبه‌گری نیز از ریشه‌ها فاصله می‌گیرد. جامعه جهانی به جای آنکه درباره ساختارها، سیاست‌های کلان، سازوکارهای معیوب و علل پایدار شکست کنونی و آتی غرب و رژیم صهیونیستی در برابر جمهوری اسلامی ایران و گفتمان مقاومت متمرکز نشود، بر اخبار و وقایعی متمرکز می‌شود که بیشتر جنبه خبری و غیرتحلیلی دارد. وظیفه رسانه‌های پیرو جبهه حق و گفتمان مقاومت و رسانه‌های مستقل در دنیای امروز، شکستن همین چرخه است. باید از ظاهر پرهیاهوی خبر عبور کرد و پرسید: این حجم از تمرکز غرب و رژیم صهیونیستی بر رخدادهای سطحی در جنگ رمضان، قرار است ما را از دیدن کدام بحران عمیق در واشنگتن و تل‌آویو بازدارد؟ چه مساله‌ای در بطن و فرامتن این موج تبلیغاتی پنهان شده؟ کدام زخم ساختاری، با بزک رسانه‌ای پوشانده می‌شود؟ اگر این پرسش‌ها زنده بماند، حاشیه دیگر بسادگی جای متن را نخواهد گرفت.



021-92 00 00 00
www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی راسپینا



پهنای باند اختصاصی